نگاهی به واقعه هفتم مهر ۱۳۶۰ و ضربه‌ای که می‌توانست سرنوشت جنگ را تغییر دهد

مبانی اعتقادی دفاع مقدس فقدان فرماندهان شهید را جبران کرد

■ علیرضا محمدی

دو روز بعد از شکسته شدن حصر آبادان بود که خبر ناگواری کام مردم ایران را تلخ کرد. در شامگاه این روز (هفتم مهر ۱۳۶۰) هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش که حامل تعدادی از فرماندهان سپاه و ارتش و همین طور خبرنگاران و مجروحان جنگ بود، در حوالی کهریزک تهران سقوط کرد و پنج نفر از نظامی‌های رده بالای کشورمان به شهادت رسیدند. این اتفاق اگر در هر جنگ دیگری رخ می‌داد، می‌توانست سرنوشت جنگ را به کلی تغییر دهد، اما دفاع مقدس با دیگر جنگ‌های جهان فرق داشت!

واقعه هفتم مهر ۱۳۶۰ در حالی رخ داد که از زمان شروع جنگ، جبهه ایران به تازگی قوت گرفته بود و با شکستن حصر آبادان، امیدها و انتظارها برای آزادسازی دیگر مناطق تحت اشغال کشورمان بالا رفته بود، اما شهادت پنج فرمانده ارشد نظامی، این تصور را به وجود آورد که شاید باید منتظر روزهای تلخ دیگری برای جبهه‌های جنگ باشیم. با نگاهی به ترکیب فرماندهان به شهادت رسیده در این واقعه، پدید آمدن چنین طرز فکری را نباید چندان بیراه بدانیم. شهید فلاحی در زمان به شهادت رسیدن بالاترین جایگاه نظامی کشور را برعهده داشت. او به عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش هنگامی فرماندهی این نیرو را برعهده داشت که سپاه هنوز تیپ‌های خود را تشکیل نداده و سازمان رزمش در حد گردان بود، بنابراین شهادت فرمانده کل ارتش که بیش از حضور در ستاد مرکزی، خود را وقف جبهه‌های جنگ کرده بود، می‌توانست ضربه سختی بر قدرت مادی و معنوی ارتش وارد کند.

موسی نامجو وزیر دفاع وقت نیز در میان شهدا بود. او کسی بود که دانشجویان دانشکده افسری را پیش از پایان دوره آموزشی‌شان به جبهه‌های جنگ فرستاد و خصوصاً در ماجرای مقاومت خرمشهر، منشأ خدمات بسیاری شد. نامجو در کنار ولی‌الله فلاحی، بالاترین مقام‌های نظامی ارشد و کشور را برعهده داشتند. یکی در بدنه دولت کار می‌کرد و دیگری مستقیماً بر ارتش فرمان می‌راند. این دو نفر جز سمت بالایشان از نخبه‌ترین، دلسوزترین و انقلابی‌ترین نیروهای ارتش نیز به شمار می‌رفتند.

جواد فکوری که مدتی نیز فرماندهی نیروهای هوایی ارتش بود، زمان شهادتش کنار نامجو و فلاحی، مشاور عالی فرماندهی ارتش را برعهده داشت. او یک خلبان کارآزموده و ماهر بود که از طراحان اصلی عملیات کمان ۹۹ و حمله ۱۴۰ فروند جنگنده ایرانی به چندین نقطه مهم و استراتژیک نظامی عراق بعثی بود. همچنین عملیات «چ ۳» یا حمله به پایگاه هوایی «الولید» عراق در غربی‌ترین نقطه این کشور نیز یکی از پیچیده‌ترین و بزرگ‌ترین عملیات هوایی دنیا بود که در دوره فرماندهی شهید فکوری بر نیروی هوایی در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ انجام گرفت.

دو فرمانده ارشد سپاه هم جزو شهدای این واقعه بودند که هر کدام در روند دفاع مقدس نقش بی‌بدیلی ایفا کرده بودند. یوسف کلاهدوز که آن زمان قام مقام فرمانده سپاه بود، از مؤسسان این نهاد انقلابی به شمار می‌رفت و خودش سمت فرماندهی سپاه را با اصرار رد کرده بود. کلاهدوز در آموزش پاسدارهای جوان نقش بسیار تأثیرگذاری داشت و هم او بود که باعث شد سپاه روند رو به رشدی را در پیش بگیرد.

پنجمین فرمانده شهید واقعه هفتم مهر ۱۳۶۰ سردار شهید محمد جهان آرا بود. وی که در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر نقش بی‌بدیلی داشت، شهیرترین فرد از منظر عمومی در میان این فرماندهان به شمار می‌رود. او که فرماندهی سپاه خرمشهر را برعهده داشت، توأمان سمت فرماندهی سپاه پاسداران اهواز و سرپرستی ستاد منطقه هشت سپاه را هم برعهده داشت. جهان آرا بر رزمندگان و پاسدارهای استانی فرمان می‌راند که در اصلی‌ترین منطقه مناقشه جنگ قرار داشت. شهادت این پنج فرمانده ارشد در حالی که همگی از نخبگان نظامی کشور نیز به شمار می‌رفتند، آن هم در مرحله‌ای حساس از دفاع مقدس می‌توانست سرنوشت جنگ را تغییر دهد، اما از آنجایی که مبانی اعتقادی دفاع مقدس با باورها و ارزش‌هایی چون تکلیف‌مداری، ولایتمداری و ایمان و اعتقاد مردم ایران و رزمندگان محکم شده بود، حتی این ضربه ناگهانی و سنگین نیز نتوانست خللی در روند آن ایجاد کند و با جایگزین شدن دیگر رزمندگان و فرماندهان به جای این شهدای گرانقدر، روند رو به رشد جبهه ایران با قدرت به کار خود ادامه داد. پس از شکست حصر آبادان، در سه عملیات طریق القدس، فتح المبین و الی بیت المقدس، دشمن بعثی از بسیاری از مناطق متصرفی‌اش بیرون رانده و دوران عملیات هجومی ایران در خاک دشمن آغاز شد.

> یوسف کلاهدوز که آن زمان قائم مقام فرمانده سپاه بود، از مؤسسان این نهاد انقلابی به شمار می‌رفت و خودش سمت فرماندهی سپاه را با اصرار رد کرده بود. کلاهدوز در آموزش پاسدارهای جوان نقش بسیار تأثیرگذاری داشت و هم او بود که باعث شد روند رو به رشدی را در پیش بگیرد

نگاه

پنجم مهر ۱۳۶۰ سالروز عملیات ثامن الائمه(ع)

شکست حصر آبادان ثمره تغییر فرماندهی جنگ بود

■ غلامحسین بهبودی

پنجم مهر ۱۳۶۰ حصر یکساله آبادان در عملیات ثامن الائمه(ع) شکست. این عملیات را باید بزرگ‌ترین پیروزی ایران تا آن زمان از جنگ تحمیلی دانست، چراکه تا یک‌سال اول جنگ، ایران پیروزی مهمی در جبهه‌ها به دست نیاورده بود اما چه چیزی در جبهه‌ها تغییر کرد که باعث چنین فتحی شد. یک پیروزی مهم در زمان خاصی از جنگ که نوید پیروزی‌های بعدی را می‌داد.

دقیقاً یک سال و پنج روز از شروع رسمی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گذشت که خبر شکست حصر آبادان از جبهه‌ها شنیده شد. طی یکسال گذشته جنگ تحمیلی دوره غافلگیری و رکود را تجربه کرده بود. پس از حمله بعثی‌ها به ایران، تا چند روز وضعیت غافلگیری در جبهه‌ها و فضای داخلی کشور حاکم بود. عراق پس از اشغال یا محاصره شدید شهرهایی چون بستان، سوسنگرد، هویزه، قصر شیرین، سومار، نفت شهر و... ظرف یک هفته اول جنگ خود را به حومه اهواز رساند. تا دو ماه بعدی این غافلگیری هرچند تا حد زیادی فروکش کرده بود، اما در سطوح مختلف همچنان ادامه داشت و این دو ماه را باید دوران تلخ نابسامانی جبهه‌ها و دست برتر دشمن قلمداد کرد.

پس از دو ماه اول جنگ، دوران رکود جبهه‌ها آغاز شد. در این زمان بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا، دو عملیات بزرگ انجام داد که هر دو با شکست رو به رو شدند. عملیات نصر ۱۵ دی ۵۹ در غرب رودخانه کارون و منطقه عمومی هویزه با هدف آزادسازی خرمشهر و عملیات توکل ۲۰ دی ۵۹ در محور آبادان با هدف شکستن حصر آبادان که هیچ کدام موفقیت آمیز نبودند.

بین بیستم دی ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ که حصر آبادان شکست، یک تغییر عمده در سطح سیاسی و نظامی رخ داد که به صورت مستقیم روی وضعیت جبهه‌ها اثرگذار شد. پس از عملیات توکل وقتی بنی‌صدر احساس کرد نمی‌تواند توفیق چندانی در جبهه‌ها به دست آورد، به تهران برگشت و روی فعالیت‌های سیاسی متمرکز شد. بازتاب این رویکرد در وقایع ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ دانشگاه تهران رخ نشان داد و از آن به بعد بنی‌صدر در سراشیبی سقوط فرو رفت و نهایتاً در خرداد ۱۳۶۰ از کشور فرار کرد.

اما رفتن بنی صدر چه تأثیری در جبهه‌های جنگ داشت؟ در این زمان که تغییر چندانی در قدرت نظامی دو طرف ایجاد نشده بود. پس از چند ماه رکود در جبهه‌ها به نظر می‌رسید ایران باید با مذاکره متجاوزان را راضی به تخلیه لااقل بخشی از مناطق متصرفی کند. هیئت‌های میانجی‌گر اسلامی هم که مرتباً بین تهران و بغداد در رفت و آمد بودند، اما آنچه جبهه‌ها را تکان داد، شکستن سد عدم توجه به کارآمدی پاسداران جوان و همین طور استفاده بهتر از نیروهای مردمی بود.

با رفتن بنی‌صدر، فرماندهی جبهه‌ها به ارتشی واگذار شد که سکان فرماندهی آن را افسران متعهدی چون شهید فلاحی اداره می‌کردند. در این زمان سپاه مجال یافت تا به امکانات بیشتری دسترسی داشته باشد و سازمان رزم خود را گسترش دهد. در همین زمان بود که همکاری بین ارتش و سپاه گسترش و عمق بیشتری یافت. در واقع شاه بیت تغییرات عمده در دفاع مقدس نه ورود تسلیحات بیشتر که تغییر نوع نگاه به نیروهای حاضر در جبهه‌ها بود. حالا دیگر مثل دوران بنی‌صدر تأکید مفرطی بر عملیات کلاسیک نمی‌شد. کسی پاسخ شور و اشتیاق پاسدارهای جوان را با دادن القابی چون «جوانان کم تجربه و کار نابلد» نمی‌داد و همه چیز مهیا شده بود تا همان اتفاقی که انقلاب را به پیروزی رسانده بود حالا در میدان جنگ ابتکار عمل را به دست بگیرد؛ «ورود مردم به عرصه دفاع مقدس».

با تغییر فرماندهی جنگ و اتحاد ارتش و سپاه (که دروازه و بسترساز استفاده از نیروهای مردمی در جنگ بود) تحول بسیاری در جبهه‌ها ایجاد شد و نهایتاً در پنجم مهر ۱۳۶۰، در عملیات ثامن الائمه(ع) که یگان‌هایی از ارتش و سپاه در آن حضور یافته بودند، محاصره آبادان پس از یک‌سال شکست و زمینه اخراج دشمن در عملیات آتی فراهم شد.

یادکرد

شهید احمد فرزادزینلی

اولین شهید نجف‌آباد در دفاع مقدس

فرزند آمد و بابا مفقود شد

■ آرمان شریف

شروع رسمی جنگ تحمیلی، نیروهای نظامی و مردمی را مقابل دشمن متجاوز به صف کرد تا آنها با حضورشان مانع نفوذ نیروهای ارتش بعث شوند. از تمام شهرهای کشور نیروها به خط شدند و به پیکار دشمن رفتند. روزهای سختی بود و رزمندگان باید با کمترین امکانات مشغول نبرد می‌شدند.

در هیاهوی چنین روزهای شلوغ و پرحادثه‌ای احمد فرزادزینلی همانند دیگر نیروهای ارتشی خود را به جبهه رساند. او سال‌ها سابقه کار در ارتش را داشت و قبل از پیروزی انقلاب نیز مبارزات خود را علیه حکومت پهلوی شروع کرده بود. شهید فرزادزینلی از سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش شده و کارش را شروع کرده بود.

در بحبوحه انقلاب شهید فرزادزینلی را به خاطر توهین به عکس شاه به اعدام محکوم کردند. شنیدن این خبر برای خانواده احمد خیلی سخت و گران بود. آن زمان همسرش باردار بود و پس از شنیدن این خبر ناگوار، بچه هشت ماهه‌اش سقط شد. هرچند پس از مدتی احمد را آزاد کردند و از اعدام او منصرف شدند ولی این اتفاق تلخ برای مدت‌ها غم و ناراحتی را روی دل احمد نشاند.

با پیروزی انقلاب اسلامی کار شهید فرزادزینلی بیش از گذشته بود. او پس از پیروزی انقلاب، به فرماندهی گردان ۲۹۳ لشکر ۹۲ دشت آزادگان منصوب شد و مدت زمان طولانی را در لشکر ۹۲ زرهی حضور داشت. با اینکه بسیاری از دوستانش درخواست انتقالی به شهرهایشان را داشتند، ولی احمد می‌خواست در همان منطقه بماند و از مرزها حراست کند. او در جواب دوستانش که می‌گفتند تو هم به شهر خودت برو، می‌گفت: «اگر همه ما برویم پس چه کسی اینجا مقاومت کند؟!» بسیاری از دوستانش به اصفهان رفتند ولی احمد قبول نکرد. او تا زمان حمله سراسری دشمن در جنوب حضور داشت.

با زیردستانش بسیار دوست بود و به بی‌عدالتی‌هایی که در حق آنان روا می‌شد، به مخالفت بر می‌خاست و از آنها دفاع می‌کرد. همیشه می‌گفت: «اینها از خانواده دل کنده و به سربازی آمده‌اند تا فنون نظامی بیاموزند و از میهن‌شان دفاع کنند؛ پس چرا باید در حق‌شان اجحاف شود.»

تیمسار داوود مهرآ را همرزم شهید همرزمش را چنین توصیف می‌کند: «احمد فرزاد افسر بسیار خوب، پرتلاش و با پشتکار بود. زمانی که او را به گروهان ما دادند دو سال مانده بود تا سروان شود، وقتی آمد حقیقتاً من خیلی راحت شدم و کارم بسیار سبک‌تر شد. فرزاد در کارش واقعاً موفق بود، با زیر دست‌های خودش دوست بود و به آنها به صورت جدی برخورد و امر و نهی نمی‌کرد. بسیار متواضع و خوش‌خلق بود، احمد یک شخصیت نادر مذهبی داشت.»

در آستانه شروع جنگ، شهید فرزادزینلی و تعداد دیگری از افسران ارتشی حاضر در منطقه، بارها خطر آماده شدن نیروهای عراقی را هشدار داده بودند. روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله غافلگیرانه نیروهای ارتش عراق به سوی پاسگاه سوبله و صفریه آغاز شد و منطقه زیر باران گلوله قرار گرفت. تانک‌ها از سمت عراق با سرعت به مرز می‌آمدند و همه جا را با خاک یکسان می‌کردند. هجوم دشمن در آن روزهای آغازین سنگین و بی‌محابا بود و نیروهای ایرانی را در برابر این هجوم گسترده غافلگیر کرد.

در شرایط سخت آن روزهای جبهه، فرزاد به طرف تانک رفت و به سَمت مواضع نیروهای عراقی شلیک کرد. سپس از تانک خارج شد و به طرف اسلحه ۱۰۶ رفت و با تمام توانش مقابل دشمن ایستاد تا اینکه سرانجام در میان آتش و دود و رگبار گلوله‌های بی‌امان دشمن به شهادت رسید. شهید احمد فرزادزینلی در نخستین روز جنگ تحمیلی به فیض شهادت نائل آمد و اولین شهید مفقودالاثر نجف‌آباد نام گرفت در حالی که تنها چند ماه از تولد فرزند شهید بیشتر نگذشته بود پیکرش برای همیشه در منطقه جاودانه شد.

> در آستانه شروع جنگ، شهید فرزادزینلی و تعداد دیگری از افسران ارتشی حاضر در منطقه، بارها خطر آماده شدن نیروهای عراقی را هشدار داده بودند. روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله غافلگیرانه نیروهای ارتش عراق به سوی پاسگاه سوبله و صفریه آغاز شد و منطقه زیر باران گلوله قرار گرفت

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۱۳

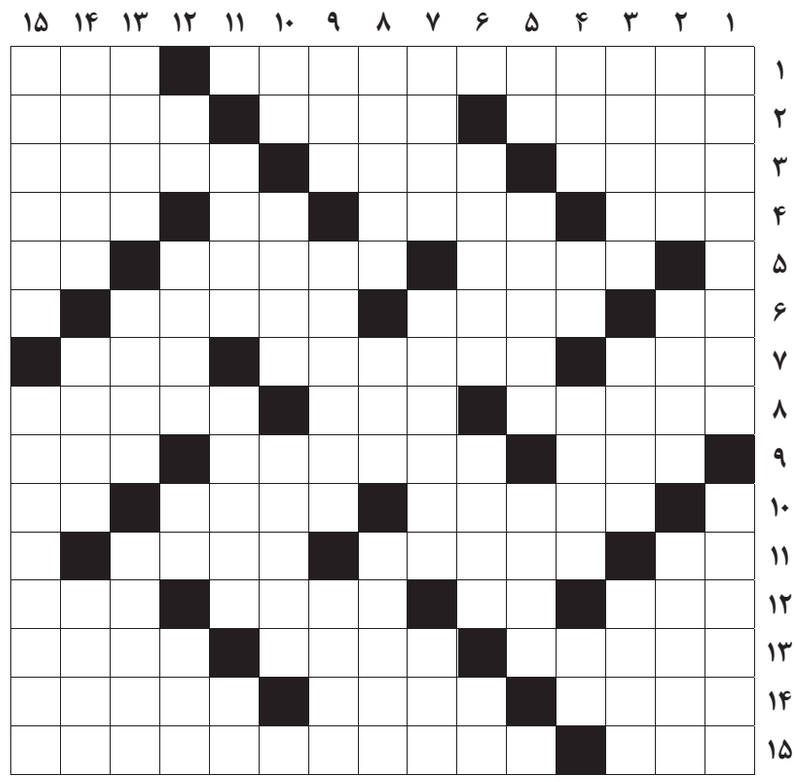

از راست به چپ

■ ۱- افزایش سریع جمعیت در هر مکان- سود حرام ■ ۲- لبریز- جست‌وخیز چهارپایان- شاهد ■ ۳- واحد طول فرنگی- داستان ادبی- تماشایی و جالب توجه ■ ۴- حق ناحق ابرقدرت‌ها- درونی- رأس- پرسش از مکان ■ ۵- ایستاده- چراغ- درخت زبان گنجشک ■ ۶- آب شرعی- وزیر خارجه اسبق امریکا- جوش‌وخروش ■ ۷- ناامید- مولد بزرگ برق- گوسفند جنگی ■ ۸- کلرید آمونیوم- گراز- گوناگون ■ ۹- بخشش- کسی که فقط به ظاهر احادیث اکتفا کند نه به دلیل های عقلی- یک حرف و سه حرف ■ ۱۰- رکب خوردن- استخوان نازک روی سرانگشت- دارچین هندی ■ ۱۱- سفید آذری- اعتبار بانکی- رمان‌نویس فرانسوی و صاحب اثر نانا ■ ۱۲- شوخی- تصدیق ایتالیایی- پیشوای مسیحی- رسول ■ ۱۳- نان فانتزی فرنگی- زمین خشک و بایر- نوعی پرنده با نوک و پای دراز ■ ۱۴- هر یک از بخش‌های جداگانه یک مجموعه- باد خنک- خویشاوند نزدیک مقتول که برای خونبها اقدام می‌کند ■ ۱۵- لوس- از عوامل اصلی سکته قلبی

از بالا به پایین

■ ۱- بهترین دروازه‌بان جام جهانی ۲۰۰۲- نام فعلی شهر دزداب ■ ۲- گیاه- اصل و بنیاد- پایتخت اول صفویه ■ ۳- جداکننده حق از باطل- اسلحه شمشیربازی- چراغ روغن‌سوز ■ ۴- لباس کتاب- صدمترمربع- از شهرهای کردنشین عراق- مخفف هستم ■ ۵- مایه حیات- هنر ششم- صحیح ■ ۶- همداستان ژولیت- سراینده گرشاسب‌نامه- سایه ■ ۷- نویسنده بهارستان- مقاومت و پایداری در مقابل پیشامدها- سرشب ■ ۸- آرام و معتدل- واحد شمارش مغازه- سوره هشتاد و یکم ■ ۹- چشم عربی- زنده‌اند و در نزد خدا روزی می‌خورند- بلند ومرتفع ■ ۱۰- خار سر دیوار- کارد و چاقو- نوعی رادار ■ ۱۱- پرنده‌ای شبیه کبک- دارای مزه ترش و شیرین- تاکسی پرظرفیت ■ ۱۲- نوعی اسم مصدر- پدر حضرت ابراهیم- برج کج- درختی است مانند درخت ترنج ■ ۱۳- زادگاه پدر شعر فارسی- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی- منادیان توحید و یکتاپرستی ■ ۱۴- ساز زهی شبیه گیتار- قلعه بالای کوه- شاعر پارسیگوی هندی ■ ۱۵- استخوان جمجمه- قله آتشفشانی ژاپن

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱		۴		۵	
	۹		۵				۷	
۸	۳						۶	
				۴				۸
		۳			۷			
	۶	۲						۳
۲				۸	۶			
					۱	۴		
۹	۵					۲		

جدول کلمات متقاطع
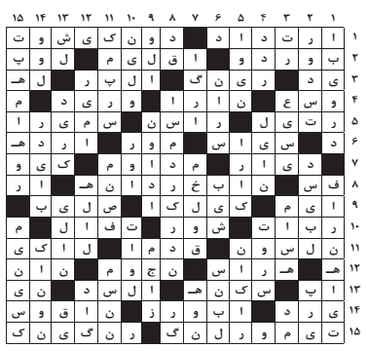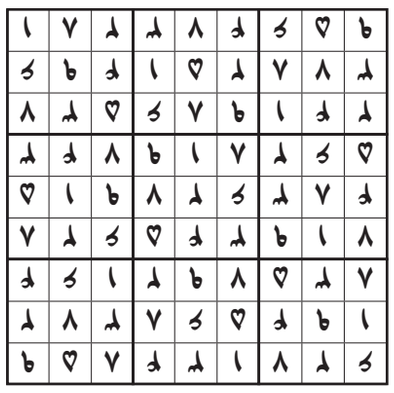
پاسخ جدول شماره ۶۳۱۲